

معمای حیات و زندگی در روی زمین از سنگت انگیزترین و در عین حال پیچیده ترین معماهای عالم هستی است. و آنقدر سؤال‌های بلاحواس در این قسمت دانشمندان دارند که حساب ندارد.

البته‌های تعجب هم نیست، چیزی که ریشه‌های آن در تاریخ صدها میلیون سال قبل فرو رفته؛ برای کسانی که تاریخ ضبط شده آنها از چند هزار سال تجاوز نمیکنند چگونه ممکن است کاملاً بی‌موم باشد.

ولی در اینجا سنگها، آری سنگها، بکمکم همیشه با ما سخن میگویند؛ شبی بر معنی از تاریخ پر ماجرای گذشته در اختیار ما میگذارند.

این کوه‌های نمخت، این تخته‌سنگ‌های بظاهر بی‌مصرف و خاموش بیان عجیبی دارند، و تاریخچه حوادث صدها میلیون سال قبل را کم‌بیش بطرز جالبی برای ما بازگو میکنند، اگر ما زبان آنها کاملاً آشنا شویم بسیار چیزها از آنها می‌آموزیم.

سنگ‌مانم سنگواره، با فصلی، را شنیده‌ایم، همانطور که از اسبش پیدایت عبارت از قطعات سنگی است ولی نه یکسنگ ساده بلکه سنگ‌هایی آهکی که آثار جانداران و گیاهان گذشته را با آنها ثبت کامل، در خود حفظ کرده است؛ جانوری در میان گل آهکی گرفتار و مدفون شده؛ و آب آهک با آن راه یافته، استخوانهای آن را تدریجاً خورده و خود بجای آن نشسته و رسوبی از خود بجای گذاشته و متحجر شده است. در نتیجه همان قیافه حشره، جانور و گیاه (اماسورت سنگ) باقی مانده است (۱).

این سنگواره گاهی متعلق به صدها میلیون سال قبل است. و عمر آنها را بنا توجه باین که در چه طبقاتی از طبقات زمین و در چه نطفه‌ای قرار گرفته است میتوان بطور تخمین بست آورد.

امروز در دنیا هزاران نفر دانشمند این سنگواره‌ها را بعنوان کتاب‌های مستند درباره تاریخ علوم طبیعی مورد مطالعه قرار میدهند و گوشه‌ای از معماهای حیات و زندگی را وسیله آن حل میکنند.

از مطالعه این سنگواره‌ها چنین برمیآید که انواع بیشماری از حیوانات و جانوران که امروز بنظر ما بسیار عجیب الخلقه می‌باشند در نقاط مختلف جهان زندگی داشتند که هر کدام بللی گوناگونی برافزاندند و این صحنه را بدیگران واگذار کردند.

(۱) - البته سنگواره‌ها اقسام مختلفی دارند و آنچه در بالا ذکر شد یکی از اشکال معروف آنست.

## سنگ‌های افسانه‌ای

### یک مرغ افسانه‌ای دندان‌دار!

سنگها با ما سخن میگویند.  
 «مرغ غریب» یکی از هزاران جاندار عجیب اعصار گذشته است.  
 او نه پرواز میکرد و نه میتوانست راه برد اما شنا گریه‌ی رقیب بود.

نوشته‌های تاریخی که ما را نسبت با دوازده گذشته آشنا میسازد هم‌رشد بسیار محدود است و از چند هزار سال تجاوز نمیکنند.

در حالیکه - بقیه ده دانشمندان - جانداران و گیاهان از چند صد میلیون سال پیش در روی زمین پیدا شده‌اند.

شاید در یکمیلیون سال قبل، مطلقاً جانور و گیاهی در روی زمین وجود نداشت؛ اما از آن زمان باین طرف کم‌کم حیات در روی زمین بصورت بسیار مرموزی آغاز گردید.

دانشمندان حیوانشناس عقیده دارند تقریباً ۶۰ میلیون سال قبل پستانداران روی زمین را حول نگاه خود ساختند و بر آن حکومت میکردند، ولی تاریخ پیدایش انسان از چند میلیون سال تجاوز نمیکنند.

کسی نمیتواند که در این صدها میلیون سال، این مدت فوق‌العاده طولانی و پر حادثه؛ چه بر زمین گذشته؛ و چه حوادث حیرت‌زایی روی داده، چه جانوران و گیاهان عجیبی ظاهر شدند، و بر اثر سه عواملی عده‌ای از آنها را مدبار نیستی را در پیش گرفتند و عده‌ای باقی ماندند.

جانوران و گیاهانی که هر کدام درس جدیدی از « تنوع حیات و زندگی » و نشانه‌تازهای از علم نامحدود و قدرت بی‌پایان آفریدگار جهان محسوب می‌گردند ، که مطالعهٔ حالات آنها اعجاب‌برانگیزی را بر میانگیزد و در برابر آن عبده بزرگ عالم هستی به تسلیم و خضوع وامی‌دارد :

در اینجا يك نمونه از این حیوانات افسانه‌ای را که دانشمندان امروز در کوششهای علمی خود بیان بی‌برده اند از نظر می‌گذرانیم و شاید در آینده نیز بشر زندگی « حیرت‌انگیز یعنی دیگر کمبادت کنیم .

### مرغ دندان دار و بی‌بال !

یکی از مرغان قدیمی افسار گذشته مرغ عجیبی بوده که او به طول بدن يك متر رسیده است ، نخستین مرتبه استخوانهای او را در غرب آمریکا یافتند . و لذا نام « مرغ غریبی » ( ۱ ) بر آن گذاردند .

از عجایب این مرغ اینکه مغزای بلند و بلند داشت که تقریباً دوسر آن دندانهای تیز و برنده‌ای روئیده بود . دهان او کاملاً از هم باز میماند و بخور می‌توانست به‌کماهی نسبتاً بزرگ را بکجا بیاند !

بدن ماهی‌ها را اندازه لیز ماهی‌ها را دندانهای بزرگ بود مشکل می‌توانست از میان آروارهای نیرومند و مجهز بدن آن او در برود .

او در شناگری بی‌رقیب بود و هیچیک از مرغان شناگر امروز پای او نمی‌رسیدند .

پاهای نیرومند او که مجهز به پرده‌های قوی بود کارهای قهرمانان قایق‌رانی را میکرد و بکمک آن امواج آب را با بدن کاملاً دوکی شکل و سینه صاف خود می‌شکافت و به تبال شکار خود میدوید .

ولی « مرغ غریبی » با اینکه که در شناگری مهارت داشت و پرواز کردن ناتوان بود ، اصلاً نمیتوانست پرواز کند ، گر چه از سلسلهٔ مرغان بود ولی اگر تعجب نکند اصولاً « بال » نداشت ؛ فقط زیر پره‌های نسبتاً فراوان او اثر مغزشی از جای « دبال » دیده می‌شد .

بقیه در صفحه ۵۷

سجده بر مهر و تربت کر بلا ، بر اساس این اصل دوم است حتی خود امام حسین (علیه السلام) ،  
در آخرین لحظات زندگی پیشانی روی این خاک پاک نهاد و چنین گفت : **رضا بقضاء الله و تسلیماً  
لا مرثیة لامعبود سواک یا غیاث الهم - تغیبین !**

ما تر میدان حالت که کمال عبودیت و بندگی و تسلیم در برابر قضاء الهی را می  
رساند ، سریر همان خاک مقدس گذارده و عرض مینمائیم - **بجنان ربی الاعلی و بجمده** .  
(منزه است پروردگار بزرگ ما و اورا ستایش میکنیم) .

علاوه بر این سجده بر تربت کر بلا ، موجب تجدید یا تسلسل خاطر است و فداکاریها و  
جایای زیبای رجال عبودیت که گویا هر قطره از خون آنها میگوید : **ره چنین است و مرد  
باش و پرو ، هرگز تسلیم ظلم و ستم نشوید ، و مقدرات اسلام و مسلمین را بدست افراد ناشایست  
ندیدید ، این خاطره آموزنده هنگام سجده بر تربت کر بلا در هر دل با ایمانی زنده گردیده و  
موجب بیداری قلوب بودلهای نمازگزاران میگردد .**

#### پتله از صفحه ۴۴

و از همه بهتر اینکه اود در خشکی هم نمیتوانست راه برود ! زیرا پایهای اود در قسمت عقب  
بدن قرار داشت و قدرت نداشت تعادل بدنی خود را روی آن حفظ کند ، و بسلاوه پای او به یارو  
شبهتر بود تا به پای اود رفتن .

ولی او چه نفس داشت ، زندگی و خواب و خوراک و گشت و تفریح و استراحت او همه در  
آب بود ، مگر نه اود در شناگری در صحنه دریاهای رقیب بود ؟

تنگنا و بکافتن باج بخشکی داشت ، احتیاجی که بر آوردن آن برای او مشکل بود و او را  
رنج میداد ؛ و آن این بود که کمیابست در خشکی در همان ساحل دریادار آنجا که از امواج کوره  
بیکر دریا خبری نبود تخم گذاری کند .

حیوانک - طبق یک الهام مرموز - پیر زحمتی بود افتان و خیزان خود را بخشکی میرسانید  
و برای حفظ نسل خود کوشش فراوان مینمود و در آنجا تخم گذاری میکرد ، و از این  
شگفت آورتر اینکه گاهی از **آشیانه های شناور** ! استفاده میکرد و تخم خود را در آن  
می گذارد (۱) .

(۱) در این بحث از نوشته های دانشمند معروف علوم طبیعی «موریس پارکر»

استفاده شده است .